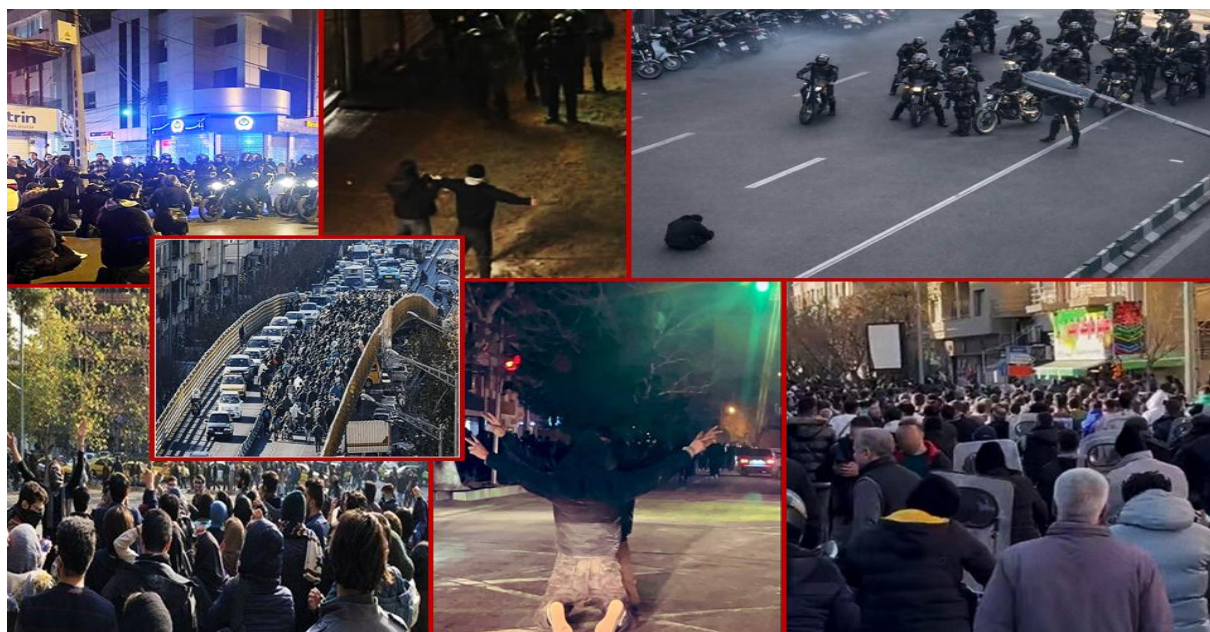


یادداشت سیاسی هفته

پیکار برای نان در پیوند پیکار برای آزادی را با همدلی، همدردی و همبستگی گسترده، متحداً به پیش ببریم!

امیرجوهری لنگرودی

a.javaher99@gmail.com



موج جدید اعتراض و تظاهرات بازاریان تهران در یکشنبه ۷ دی ماه ۱۴۰۴، به افزایش تقریباً روزانه‌ی قیمت‌ها و عبور دلار از مرز یکصد و چهل (۱۴۰) هزار تومان، خشم و نگرانی شدیدی نسبت به گذران زندگی و آینده‌ی آنان در میان مردم مطالبه‌گر فراهم آورده است. این اعتراض از بازار تهران، حول گسترده‌ی فقر ساختاری، غارت سازمان‌یافته، سرکوب سیستماتیک، اعدام‌های گسترده، تبعیض جنسیتی و ملی، و نابودی سازمان‌یافته‌ی کرامت انسانی و غیره شکل گرفت. به عبارتی، این اعتراضات واکنشی است به سال‌ها فساد ساختاری، ناکارآمدی مزمن و سیطره شبکه‌های مافیایی که هر جا سود و رانت وجود داشته، ریشه دوانده‌اند؛ شبکه‌هایی که چنان قدرتمند شده‌اند که

نه تنها بر اقتصاد، بلکه بر جهت‌گیری‌های کلان دولت و کل دستگاه سیاست‌گذاری آن اثر تعیین‌کننده می‌گذارند.

مردم مرتب از یکدیگر می‌پرسند: وضعیت نابسامانی تورم و گرانی‌های مایحتاج زندگی تا کجا ادامه خواهد یافت؟ تا کی باید هزینه‌ی بی‌کفایتی، فساد، غارت منابع کشور و بی‌نقشه‌گی و بی‌برنامه‌گی، در مقابل دستمزد کافی برای توده رنج و کار جامعه و نیروی میلیونی بازنشستگان را در هزینه‌ی دارو، درمان و بیمه، در مقابل ناترازی آب و برق، نداشتن هوای پاک در کلان‌شهرهای کشور، تخریب محیط زیست، تخریب جنگل‌ها و آتش‌افروزی‌های عمدی مناطق جنگلی، بر دوش بکشند؟ مردم ما در مقابل یورش سنگین قیمت‌ها به سفره‌های خالی، و عده‌های توخالی و جبران کمبودهای سبد روزمره هزینه‌ها از طریق کالا برگ را برای گذران خانواده‌های خود، در برابر همدیگر به نظاره ایستاده‌اند؛ و عده‌هایی که هیچ‌گاه عملی نشده‌اند.

تجمعات دی‌ماه از اولین ساعات خود، همچون جرقه‌ای بر بوته‌ی تلنبار شده نارضایتی‌های فشرده مردم جامعه ما عمل کرد. اعتراضات خیابانی، دیواره سکوت جنبش زیر خاکستر «زن، زندگی، آزادی» را شکافت و از نقطه‌ای به نقطه دیگر دامن گسترده.

در اخبار روزهای بعد آمده که اعتراضات خیابانی در تهران به‌طور چشمگیری گسترش یافته و علاوه بر بازار بزرگ تهران، دست‌کم پانزده منطقه از پایتخت، از جمله بازار چهارسو، خیابان امیرکبیر، خیابان سپهسالار، پاساژ علاالدین و ... شاهد تظاهرات و تجمع‌های اعتراضی کسبه بازار به همراه مردم معترض در محلات گوناگون شهر نیز بوده‌ایم. اعتراضات ابتدا از بازار موبایل و لوازم الکترونیک آغاز شد و در مدت کوتاهی به مناطق

مختلف تهران و سپس به شهرهای متعددی از جمله همدان، اصفهان، زنجان، کرمان، ملارد، قشم، شیراز، نورآباد ممسنی، کرمانشاه، رشت، خرم‌آباد و و بیش از ۷۰ شهر و شهرستان کوک و بزرگ دیگر گسترش یافت. با پیوستن فعال و گسترده‌ی دانشجویان، جوانان و لایه های فرودست جامعه این حرکت اعتراضی وارد مرحله‌ای وسیع‌تر و سراسری‌تر شد.

طی روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم دی، دامنه اعتراضات نسبت به کاهش چشمگیر ارزش پول ملی و افزایش افسارگسیخته تورم و گرانی، با اعتصاب بازار تهران، تجمع کسبه بازار اصفهان، تجمع کسبه بازار دهلران ایلام، کسبه بازار شیراز استان فارس، جمعی از بازار گناوه استان بوشهر، و راهپیمایی و تجمع شبانه‌ی جوانان شهر اراک، تجمع جوانان شهر اسدآباد، تجمع شبانه‌ی همدان، تجمع زنان در شهر اصفهان، تعدادی از جوانان شهر الیگودرز، تجمع شبانه‌ی استان لرستان، تجمع اهالی شهر باغملک استان خوزستان، تجمع جوانان شهر بابل در استان مازندران، تجمع شبانه‌ی تعدادی از جوانان شهر خرم‌آباد، تجمع جوانان شهر جونقان در استان چهارمحال و بختیاری، تجمع شبانه‌ی جوانان شهر دورود استان لرستان، تجمع شبانه جوانان شهر رامهرمز استان خوزستان، تجمع جوانان شهر رشت، تجمع شبانه‌ی جوانان شهر فارس استان چهارمحال و بختیاری، تجمع اهالی شهر فسا استان فارس، تجمع شبانه‌ی جوانان شهر فولادشهر استان اصفهان، تجمع اهالی شهر کرمانشاه، تجمع اهالی شهر کوهدشت در استان لرستان، تجمع شبانه‌ی جوانان شهر لالی در استان خوزستان، تجمع اهالی شهر نهاوند استان همدان، تجمع شبانه جمعی از اهالی شهر همدان، تجمع شبانه جوانان شهر یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد و... پوشش سراسری‌تری به خود گرفت.

همان‌گونه که آوردم؛ این اعتراضات ریشه در فقر، گرانی و قیمت‌های سرسام‌آور، بیکاری، بی‌حقوقی، دیکتاتوری و فلاکت اقتصادی دارد؛ چیزی که توده‌های محروم در ایران را تحت فشار قرار داده و به میدان آورده است و مجموعه نارضایتی‌های اقتصادی، معیشتی و ناکارآمدی دولت‌ها، حاکمیت و دستگاه‌های ذی‌ربط را در بر می‌گیرد.

باید گفت: انفجار خشم فروخفته مردم از بحران‌های عدیده اجتماعی و طبقاتی و ناتوانی‌های حاکمیت اسلامی در پاسخ‌گویی به نیازهای یک کشور نود و اندی میلیونی، روزبه‌روز فزونی یافت و بدل به شعله‌گردید و دامنه‌ی این اعتراضات اکنون شهرهای گوناگونی را پوشانده است. اما این جرقه‌ی اعتراضی، همچنان وسعت اعتراضات دیگر اقشار مردمی، خاصه دانشجویان، جوانان جسور و در کنار آنان زنان، معلمان، بازنشستگان و کارگران شاغل و بیکارشدگان از کار را بار دیگر در کنار هم جای داده است. این همه نشان‌دهنده‌ی همان روند مبارزات مطالبه‌جویانه و طبقاتی است که از دی‌ماه ۱۳۹۶ آغاز شده، در آبان ۱۳۹۸ تداوم یافته و در دل جنبش انقلابی ژینایی «زن، زندگی، آزادی» در شهریور و نیمه دوم ۱۴۰۱ رقم خورده است.

در موج تازه اعتراضات دی‌ماه در ایران که از بازار تا خیابان‌ها گسترده شده است، در ابتدای کار اعتصاب بازاریان ایران که در شروع به‌خاطر سقوط ارزش ریال، تورم افسارگسیخته و مشکلات اقتصادی آغاز شد، به‌سرعت فراتر رفت و اکنون شکل اعتراضات خیابانی گسترده‌تری به خود گرفته است. گستردگی این اعتراضات به‌سرعت تبدیل به بستری برای هم‌صدایی طبقات مختلف جامعه، از بازاریان تا دانشجویان، از کارگران شاغل تا

بیکارشدگان از کار، از بازنشستگان گروه‌بندی‌های مختلف تا مردمی که نه فقط سفره‌شان کوچک شده، بلکه احساس تحقیر و بی‌پناهی می‌کنند و دیگر توان معیشت ندارند، شده است.

در دل این مجموعه، هم‌زمانی گسترش اعتراضات خیابانی با تغییرات و جابه‌جایی‌ها، به‌طوری که رژیم مستأصل از مهار تورم با دعوت مجدد عبدالناصر همتی، وزیر سابق اقتصاد، وی را در رأس بانک مرکزی ایران می‌گذارد و محمدرضا فرزین را به سمت مشاور اقتصادی ریاست جمهوری برای حل مشکلات قرار می‌دهد، همراه با عدم تصویب لایحه بودجه، تصویری از یک وضعیت بحرانی و ناپایدار را ترسیم می‌کند؛ شرایطی که نشان می‌دهد بحران صرفاً اقتصادی یا سیاسی نیست، بلکه مجموعه‌ای از نارضایتی‌های انباشته‌شده اجتماعی است که می‌رود پایه‌های ساختار کل حاکمیت اسلامی را بلرزاند. مسلماً حل بحران ارزی و بحران اقتصادی با این حاکمیت ناممکن است. بحران‌های پیچ‌درپیچ و چندلایه کنونی تنها با محوریت مبارزات اکثریت مردم برای تغییر نظام کنونی ممکن است.

باید نوشت: در مقابل گستردگی این اعتراضات در سطح وسیع کشور، نیروهای امنیتی در برخی مناطق واکنش نشان داده‌اند؛ از جمله استفاده از گاز اشک‌آور، برخورد و دستگیری معترضان، اقدامی که موجب افزایش خشم عمومی شده است. چنانچه این سرکوب گسترده مانع نشود، می‌تواند بستری برای اعتراضات سراسری منسجم‌تر گردد. چنانچه امروز حس همدردی، همبستگی و همدلی عمومی، هم‌رایی و هم‌صدایی‌ها بتواند جامعه نامتوازن ما را در مسیری رهیاب قرار دهد و آن را به صدای واحدی بدل سازد، این اعتراضات می‌تواند از یک موج گذرا و

شتابزده، استمرار جنبش «زن، زندگی، آزادی» را به جنبش سیاسی- اجتماعی ماندگار تبدیل نماید.

امید آن که پیشروی جنبش، دست‌های پلید اپوزیسیون راست و ارتجاعی را که همواره در کنار دشمنان مردم ایران و قدرت‌های سلطه‌جو قرار گرفته و به مانند جنگ دوازده (۱۲) روزه، در برابر تهاجم نتانیاهو به ایران له‌له می‌زدند و برای بمباران‌های جنایتکارانه به سرزمین ایران و کشتار مردم بی‌دفاع کشور هورا می‌کشیدند، امروز سر جای خود بنشاند و در مسیر مبارزه‌ی مستقل مردم، برای تصاحب آن به بدیل‌سازی کاذب بر نیایند و شعارهای مطالباتی مردم را به نفع فرد و جریان خاصی مصادره و نال خود نکنند.

امروز بیش از هر موقع باید با همدلی، همدردی، همسویی و همبستگی گسترده، متحدانه همگرایی وسیع سراسری را در دل همایش‌های خیابانی، در برابر فاشیسم مذهبی جای داد و با نیروهای تمامیت‌خواهی که شعار «زن، زندگی، آزادی» را به شعارهای مختلف بدل ساخته‌اند تا بدیل قلبی خود را به جامعه تحمیل نمایند، به مقابله برخاست. نیروهای انقلابی و باورمند به مبارزات مستقل درون جامعه باید با تمام توان خویش در برابر هر نوع شعبده‌بازی و تقلای تقلبی بایستند و در تظاهرات‌ها و تجمعات مردمی، با سردادن شعارهای مطالباتی، به تبیین و تحلیل دقیق شرایط سیاسی برآیند و فرصت طالبان شیاد و دغل را از صحنه بیرون رانند و در دام نیروهای امنیتی و جعلیات آنان نیفتند.

نباید اجازه داد که سایبری‌های حکومتی، برای تفرقه‌اندازی با سردادن شعارهای دهان‌پرکن و انحرافی در صفوف مبارزه مشترک مردم، با ساختن کلیپ‌های صداسازی‌شده رخنه کنند و

صف این مبارزه‌ی عدالت‌جویانه را منحرف سازند. باید با صراحت اعلام نمود: مردم محروم جامعه ما کاملاً محق‌اند علیه سیاست‌های سرکوبگرانه حاکمیت اسلامی، حمله‌ی همه‌جانبه دولت به معیشت عمومی، فساد ساختاری و شکاف‌های عمیق طبقاتی به خیابان‌ها بیایند، با گرانی و تورم افسارگسیخته مقابله کنند و اعتراض خود را به کلیت نظام و مناسبات سرمایه‌داری حاکم، با حفظ استقلال از تمامی جریان‌های انحصارطلب، تمامیت‌خواه و ضد جنبش مطالباتی، اعلام دارند.

پیکار برای نان، اگر به پیکار برای آزادی گره نخورد، ناتمام می‌ماند؛ و پیکار برای آزادی، بدون عدالت اجتماعی، بی‌ریشه خواهد بود.

امروز بیش از هر زمان، با همدلی، همدردی و همبستگی گسترده باید این دو پیکار را متحداً به پیش برد و همچنان پرچم حمایت گسترده در هم‌صدایی با مبارزات انقلابی مردم ایران و جنبش‌های اجتماعی را برافراشته نگاه داشت.